



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

آیت الله حاج سید علی شوشتری در نگاه آیت الله آقا نجفی قوچانی

تاریخ انتشار: دوشنبه ۹ ذی الحجه ۱۴۳۷

هو العالی

در نجف اشرف مشغول تحصیل علم اخلاق بودم. در عالم رؤیا مرا دلالت نمودند بر حاجی سید علی شوشتری اعلی الله مقامه. آن مرحوم در آن زمان اربعین داشتند. در مسجد کوفه او را ملاقات نمودم؛ گفت: اشاره در این باب به من نیز شده است.

ارتباط آیه الله نجفی با آیه الله سید علی شوشتری قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از ارادتمندان و شاگردان مرحوم آیه الله حاج سید علی شوشتری قدس سره مرحوم آیه الله شیخ محمدتقی نجفی معروف به آقا نجفی می باشد که علاوه بر ابعاد عرفانی، در تاریخ سیاسی ایران به ویژه جنبش تنباکو نیز بسیار شناخته شده است.

آن مرحوم پس از مسافرت به نجف اشرف در کنار فراگیری علوم رسمی، شروع به خودسازی و تزکیه نفس و تحصیل ملکات حسنه اخلاقی نموده و پس از چندی به واسطه اشارتی که از عالم غیب به او می شود به محضر عارف کامل مرحوم سید علی شوشتری راه یافته و درخواست کسب فیض از آن جناب را می نماید؛ و ایشان نیز آن مرحوم را پذیرفته و وی را موظف به انجام ریاضات شرعی می نماید.

وی در کتاب «مفتاح السعادة» در این خصوص چنین می نگارد:

«در نجف اشرف مشغول تحصیل علم اخلاق بودم. در عالم رؤیا مرا دلالت نمودند بر حاجی سید علی شوشتری اعلی الله مقامه. آن مرحوم در آن زمان اربعین داشتند. در مسجد کوفه او را ملاقات نمودم؛ گفت: اشاره در این باب به من نیز شده است. و مدت چند روز او را در نجف اشرف ملاقات می کردم و آنچه سؤال می کردم جواب می شنیدم، و مطالبی را که می دانست به من تعلیم می نمود.» [۱]

ایشان در خلال آثارش اشاراتی به مرحوم آیه الله شوشتری دارد که برای آشنائی بیشتر با مرحوم آیه الله شوشتری ارزشمند است، در مقاله آیه الله حاج سید علی شوشتری در بخش شاگردان به مواردی از آن که در کتاب مفتاح السعادة ذکر شده، اشاره شده است.

در اینجا به سه گزارش دیگر که در کتاب اشارات ایمانیه آمده است جهت تکمیل اشاره می‌شود :

۱. ایشان در کتاب اشارات ایمانیه در ضمن اشاره به ضرورت استاد در سیر و سلوک می‌فرماید :

«اشاره بدانکه سلوک سبیل حقیقت منوط به علم، و مربوط به معرفت است؛ و در این راه راهنمایی لازم است که سالک معنوی و عالم ربّانی و صاحب علم لدنی باشد تا سالک را بر صراط مستقیم سلوک دهد .
 و علمای حقه بر سه قسمند: جمعی عالم بالله هستند؛ و برخی عالم به احکام الله؛ و دیگری عالم بدو مقام، و متصف به مقام جمع الجمع هستند که سالکان راه شریعت و حقیقت هستند .

عالمی اندر نجف بودی مقیم
 بر سلوک معرفت بودی علیم
 چشمه‌های علم از وی بد عیان
 می‌نمود اسرار معنی را بیان
 در رضا بودی به زنجیر قضا
 در قدر چون هجر روز مبتلا
 نور حق از جلوه‌اش ظاهر شده
 غیر حق از قلب او طائر شده
 بود سالک در صراط مستقیم
 گشته طائر بهر منهاج قویم
 بود آگه بر سبیل مصطفی
 قلب او شایق به سلك مرتضی
 لطفها فرمود از بهر فنون
 تا شدم از خیل آلا تحزنون
 شدم آسوده از هر صلح و جنگی
 هوا ناکرده در قلبم درنگی
 ز رنج و راحتم نبود ملالی
 گذشتم از طریق هر مجازی

بر مهر حقیقت سیر کردم
 ز وصل لطف حق مسرور گشتم
 شئون کثرتم از قید بگسست
 کمند حیرتم از پای بشکست
 ندیدم غیر لطف حق پناهی
 ز مهر و ماه تا قعر ماهی
 (اشارات ایمانیه، ص ۷۰ و ۷۱)

۲. در ضمن نمونه‌هایی از مکاشفات می‌فرماید :

و منها: كنت مع أخي المرحوم المنزه من كلّ شين، الشيخ محمد حسين طاب الله ثراه ذات يوم في مسجد السهلة مستغيثا بمولاي صاحب الزمان روي له الفداء، و كنت في الزاوية و كان هو في وسط المسجد، إذا ناداني و استعجل، فلما قربت إليه قال لي: «ما رأيت هذا الرجل؟ قلت: «لا و الله»، قال: «أخبرني أن سيدي العالم الأجلّ، الحاج سيّد على التستريّ الفقيه الآن توفّي بالنّجف»، فلما أصبحنا و رجعنا إلى النّجف كان الأمر كما أخبر.(اشارات ایمانیه، متن، ص: ۳۳۷)

با برادر مرحومم شیخ محمد حسین - که از هرگونه پلیدی منزّه بود - روزی در مسجد سهله به امام زمان استغاثه می‌نمودیم، من در گوشه‌ای و او در میانه مسجد .

ناگهان مرا صدا زد و با عجله فراخواند؛ چون به او نزدیک شدم پرسید: «این مرد را ندیدی؟» گفتم: «نه! به خدا سوگند!» گفت: «به من خبر داد که آقای من، عالم بلندمرتبه، حاج سید علی شوشتری فقیه همین الآن وفات نمود.»

صبحگاهان که به نجف بازگشتیم دیدیم که همان بود که خبر داد .

۳. و نیز می‌فرماید :

و منها: أتت تشرفت في اوان اشتغالي بالفقه في النّجف الأشرف في خدمة المرحوم المبرور، الحاج سيّد على التستريّ أعلى الله درجته و كان ممّن يقتدى بفعاله، فأخبرني بما نويت و ضمّرت في نفسي، فقلت: إنّ هذا من فِراسة المؤمن، و قد قال الله تعالى: لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ؛ ثمّ كانت رياضتي بتعليمه إيّاي.(اشارات ایمانیه، ص ۳۳۸)

من در آغاز اشتغال به علم فقه در نجف اشرف به خدمت مرحوم مبرور حاج سید علی شوشتری اعلی الله درجته رسیدم و ایشان از بزرگانی بود که به افعالش اقتدا می‌شد (عده‌ای تحت تربیت ایشان بودند) پس ایشان از آنچه در ذهنم بود و در دل پنهان داشتم خبر داد، پس من گفتم: این مصداق فراست [زیرکی] مؤمن است و خداوند فرموده: برای هوشیاران عبرت‌هاست .